

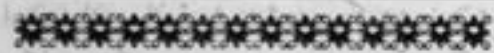


افتخارات مکتب تشیع

۲

قسمت ششم

جامعیت امام



در طول تاریخ افراد فراوانی بوده‌اند و هستند که از جهاتی دارای برتریها و مشخصه‌های روشن و مثبت میباشند و در آن خصوصیات و مشخصه‌ها با دیگران تفاوت‌های چشم‌گیری دارند؛ عارفانی بوده‌اند مانند ابن عربی و امثال او که در عرفان عملی و نظری دارای ابتکارات و نوآوریها بوده و عالمی را برای خودشان بوجود آورده‌اند؛ حکما و فلاسفه‌ای بوده‌اند مانند بوعلی و فارابی و ملاصدرا در مسائل وجود و کل عالم و مبدأ جهان و در عوالم گوناگون وجود و هستی که حرفها و سخنهای بسیار بالا و بلندی زده‌اند و تحول و دگرگونی در دنیای فلسفه بوجود آورده‌اند؛ فقیهان بزرگی در دنیای فقه ظهور و بروز نموده‌اند مانند شیخ طوسی و علامه حلی و شهید اول که کمتر نظیر آنان در آن رشته دیده شده است و ادیبان بلند قدری مانند سیبویه و سکاکی و شیخ بهائی در عالم ادب و فرهنگ آشکار شده‌اند که بشریت امروز بخوشه‌چین نظرات و آراء و اندیشه‌های آنان هستند و می‌باشند و در فن خطابه و سخنوری همین طور و در منطق و صناعات پنجگانه آن همچنین و در رشته‌های دیگر علوم و دانشهای بشری نیز افرادی بوده‌اند که در آن رشته‌ها، کارهای دقیق و ظریف و عمیقی انجام داده‌اند که بر کسی مخفی و پوشیده نیست و در این باره خیلی نباید سخن پدرازا بکشد و کمتر بوده‌اند افرادی که در علوم مختلف بشری سرآمد بوده و در نوع آنها صاحب فکر و نظر و ابداع و نوآوری باشند مگر انبیا الهی و اولیاء خداوند که در سایه اشراقات ربانی، حقایق عالم ماوراء طبیعت باندازه ظرفیت وجودی، بآنان القاء گردیده است و حقایق و واقعیات عالم را آنطور که هست و بوده و باید باشد، دیده‌اند و طبق رسالت الهی که داشتند در تعلیم و هدایت بشریت قدم برداشته‌اند و غیر از انبیا الهی و اولیاء خداوند افراد دیگری که دارای برجستگی‌ها هستند و بودند بعالم و دنیای وجود از آن زاویه‌ای نگاه کرده‌اند که در اختیار داشته‌اند و لولایت که از زوایای دیگر غافل و بی‌اطلاع بوده‌اند در میان عظماء بشری و شخصیت‌های بزرگ دنیا کمتر بودند افرادی که مانند امام امت قدمل سره دارای این نوع جامعیت باشند.

امام در عین اینکه فقهی بزرگ و عظیم بود، اصولی‌ای متدق و محقق و متکلمی زبردست هم بود؛ با اینکه فیلسوفی بزرگ و صاحب نظر بود و در عالم معقولات و برهان و استدلال بد طولانی داشت، از افاق عقل و استدلال و نظر عبور کرده و حجابهای آن را پاره نموده مانند ابن عربی در عرفان نظری نیز صاحب نظر و مبنی بود برای نمونه بحواشی عمیق امام بر نوشته‌های ابن عربی مراجعه

فرمائید؛ در عین اینکه در حوزه مقدسه علمیه مدتهای زیادی منزل از جامعه و حکومت بتدریس و تعلیم و تربیت طلاب علوم دین اشتغال داشت، و در عالم اخلاق و سیر الی الله، مدارج معنوی قرب را طی میکرد و شاید خلیفها باور نمیکردند فردی اینگونه غرق مسایل حوزه‌ای و علمی و تحریر معضلات قهوی و اصولی و عرفانی و دیگر علوم اسلامی باشد و دور از مسایل روز اجتماعی و سیاسی بنظر برسد ولی حرکتی را بیافزاید که مبدأ تحول و دگرگونی در دنیای اسلام بلکه در جهان بشریت گردد و رهبری نهضت و انقلابی را بهمه بگیرد که موجب دگرگونی در کل روابط فرهنگی و اجتماعی و فکری و اعتقادی جامعه اسلامی و محرومان شود. و بر همگان روشن است حرکتی را امام قدس سره شروع کرد که تمام معادلات سیاسی و دیپلماسی دنیا را بهم زد و موجب تجدیدنظر در کل سیستم ارتباطات دیپلماسی جهان گردید و واژه‌هایی را در دنیا مطرح ساخت که دنیای اسلام - در اثر غربت اسلام و دوری امت اسلامی از فرهنگ اصیل آن - با آنها ناآشنا شده بود و از آنها اجنبی بود امام و جامعیت او بود که منشأ این همه تحولات و دگرگونیها گشت و دنیا را متحیر ساخت و تحلیل گران دنیا را در مقابل این حادثه عظیم جهانی مبهوت نمود.

با توجه به همین جامعیت بود که توانست از اسلام و فرهنگ آن سیمانی را عرضه نماید که انسان امروزی وقتی که با این ترسیم و سیما روبرو میگردد و سخنان بلند او را در باره معرفی اسلام میشنود؛ بیاد اسلامی می‌افتد که در تاریخ از زبان پیامبر اسلام «ص» و اهل بیت آن قائد عظیم الشأن دنیای اسلام شنیده‌اند و شنیده‌ایم و توانست اسلام عزیز را از غربت و انزوا بیرون آورد و عظمت از دست رفته امت اسلامی را به آنان برگرداند و برای دنیا، فرهنگی نو و شیوه‌ای جدید عرضه کند و به اسلام بصورت کلان و جمع الجمعی نظر انداخته و بآن با توجه به همه ابعاد نگاه کرده و با آن دید به اسلام توجه نموده و تفسیر و تبیین فرموده است و اسلام نظری را در عمل و گفتار و کردار و رفتار بصورت ملموس و عینی نشان داده و راه و رسم زندگی جدیدی که متکی بر ارزشهای الهی و اسلامی است برای جهانیان ارائه فرمود. دنیائیکه از اسلام آگاهی نداشت و دشمنان آن از اسلام چهره‌ای ترسیم کرده بودند که حتی دوستان آن جرأت دفاع و حمایت از آن را در مجامع علمی نداشتند و کم کم داشت زندگی اسلامی و فرهنگ اسلامی فراموش میگشت و زندگی دیگری جایگزین آن میشد، اقشار مختلف جامعه اسلامی از هویت خود دور گردیده و هر کدام با دید لعنت و نفرت بهمیدگر نگاه میکردند و مفاهیم امامت و رهبری و دعا و ارتباطات

معنوی با خالق عالم، بصورت وارونه و محرف در جامعه مطرح میشد و هر کسی با توجه به ذهنیت خاصی که داشت و با آن پرورش و رشد پیدا کرده بود، از آن برداشت مینمود و در آن چهارچوب تبیین و تفسیر مینمود، امام امت رضوان الله علیه با توجه بهمان جامعیتی که دارا بود، در این عصر پراشوب، کمر همت را محکم بست و زنگارها را کنار زد و از حریم اسلام ناب محمدی «ص» و مفاهیم اسلامی، دفاع خالصانه و قاطعانه نمود و فضای جدیدی بوجود آورد که مردم فهمیدند این اسلامی که امروز مطرح است و از زبان امامی مطرح است که عمری را در شناخت عمیق آن سپری کرده و مجتهدانه و با جامعیت، آن را دریافت نموده است، با آن اسلامی که تا دیروز مطرح بود و دیگران مطرح میکردند و در ترویج و تبلیغ آن تلاش و کوشش بعمل میآید و در جاهای دیگر مانند عربستان و غیره مطرح میشود، متفاوت است. و بهمین دلیل متفاوت بودن دو اسلام است که کفر جهانی از یکی شدیداً دفاع و حمایت مینماید و با آن دیگری قاطعانه و با تمام توان و امکانات به مبارزه برخاسته است و در براندازی این اسلام از هر نوع امکانات استفاده کرده و برای نابودی آن میکوشد و تلاش مینماید.

دعا، سند افتخار اسلام و مکتب

و در این فرهنگ و دید، اسلام و قرآن و امامت و دیگر واژه‌ها پیام دیگری دارند. در این فرهنگ اگر قرآن، حقایق غیبی تنزل یافته و مدون عالم وجود است. دعا، قرآن صاعد و بیان حال و مقامات انسانهایی است که از عالم طبیعت عبور کرده‌اند و در مرز جهان غیب حقایق آن عالم را باندازه تقویّت و وعاء وجودی که دارند، مشاهده نموده و در قالب الفاظ آنها را بیان مینمایند. در این فرهنگ انسان در جایگاهی قرار میگیرد که حقایق عالم را بصورت مدون و تنزل یافته و قابل فهم و درک بشری دریافت مینماید و در سایه عروج معنوی و سیر الی الله میتواند مشاهدات درونی خودش را در قالب الفاظ و دعا بازگو نماید. روی این حساب در این جهان بینی، دعا نه تنها یک امر سلسبی و منفی و تخدیری نمی باشد بلکه آنقدر اوج دارد و آنقدر به انسان عروج و تعالی میبخشد و روح و درون را جلا میدهد که در لسان عرفا پیام قرآن صاعد خوانده شده است. و در لسان امام امت «قدس سره» سند افتخار اسلام و مکتب و مذهب معرفی شده است. دعاه عرفات حسین بن علی «ع» و مناجات شعبانیه و امثال آنها از ذخایر عرفانی و علمی و سند افتخار امت انقلابی اسلامی دانسته شده است و پیروی از امامانی که در راه احیاء قرآن و اسلام رنجها دیده و زجرها کشیده‌اند و به هزاران گرفتاری و جسی و شکنجه‌ها، تن در داده‌اند و از طرف حاکمان جور و طواغیت، مورد شتم و اذیت واقع شده‌اند و در انزوا زندگی کرده‌اند، سند افتخار دانسته شده است و دهها مسایل دیگری که در گذشته در اثر خیانت حکام - باصطلاح اسلامی - و دوری توده‌ها از متن اسلام ناب و خالص و توطئه دشمنان قسم خورده اسلام، از صحنه زندگی کنار گذاشته شده بودند و اکثریت از آن بیگانه بودند و عالمان جرأت دفاع نداشتند و انقلابیون بسوی ایسمها و مکتبهای دروغین دیگری پناه میبردند و با احتیاط وترس از اسلام نام میبردند؛ در چنین شرایطی، این انسان اسوه و نمونه با حرکت اسلامی طوری دگرگونی بوجود آورد، علاوه بر اینکه تمامی آن محاسبه‌های غلط را بهم زد و جایگاه رفیع اسلام را مشخص ساخت و دیده‌ها را خیره و متحیر نمود، قدرتی

بزرگ در مقابل قدرتهای شیطانی شرق و غرب بوجود آورد و در سایه این قدرت و پیروزی مسائلی که در گذشته نمیشد از آن‌ها با جرأت دفاع کرد و حمایت نمود، چنان اوضاع برگشت و برخوردها و باورها متقلب گردید که اسلام با نورانیت خاص خود آشکار شد و با همه ابعاد و زوایا و ویژگیهایش جزو افتخارات امت قهرمان انقلابی و اسلامی ما شد و لذا می بیند امام مبقرمايد:

«ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند، از انقه معصومین ما است ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی علیهما السلام و صحیفه سخاویه این زبور آل محمد «ص» و صحیفه فاطمه «ع» که کتاب الهام شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است، از ما است.»

افتخارات دیگر مکتب تشیع

امام امت «قدس سره» در شمردن افتخارات مکتب حیاتبخش اسلام ناب محمدی «ص» چنین ادامه میدهد:

«ما مفتخریم که بافرالعلوم بالاترین شخصیت تاریخ است و کسی جز خدای تعالی و رسول صلی الله علیه و آله و انقه معصومین علیهم السلام مقام او را درک نکرده و نتوانند درک کرد، از ما است و ما مفتخریم که مذهب ما جعفری است که فقه ما که در پای بی پایان است، یکی از آثار او است و ما مفتخریم به همه انقه معصومین علیهم صلوات الله و متعهد به پیروی آنانیم.»

فلسفه اصلی و اساسی این مطلب که مکتب حیاتبخش اسلام حقیقی و ناب محمدی «ص» در مقابل اسلام التقاطی و ایست بغرب و یا شرق بطور مستقیم از نبی اعظم اسلام «ص» و اهل بیت او اخذ شده است و مذهب ما همان مذهب اهل بیت «ع» است و امامان امت اسلام، کسانی هستند که نزدیکترین افراد به پیامبر عظیم الشأن «ص» بوده و مستقیماً حقایق الهی و معارف قرآنی را از عالم غیب گرفته و در اختیار بشریت گذاشته‌اند. همین است که سالمترین مسیر و مطمئن ترین دستور العمل زندگی همان راه و دستور العملی است که از ناحیه این نوع انسانهای مافوق بشری القا شده است و تنها راهی است که میتواند نجات بشر را تضمین نماید و جلوانحرافها و کج اندیشیها را بگیرد.

کدام مکتب است که این قدر مورد اطمینان و تضمین باشد؟
کدام مکتب است که اینقدر پشتوانه قوی و مطمئن داشته باشد؟
کدام مکتب است که میتوان ادعا کرد که منکی بعالم وحی و جهان مافوق طبیعت و عالم ماده باشد؟

بنا بر این استناد مکتب اسلام و مذهب حق اهلبیت «ع» بجهان مافوق طبیعت، تنها سند افتخار امت اسلام نمیشد بلکه سند افتخار بشریت است که بدانند و عظمت آن را در حد توان و قدرت فهم و درکشان بیابند و درک نمایند و با تمسک به آن، مسیر الهی و شرافت و کرامت انسانی را به پیمایند و وارد صف عباد الرحمن گشته و در صراط مستقیم حق و فضیلت و حریت عقل و اندیشه، قدم مشیت بردارند. و این تضمین تنها در این شیوه و راه، امکان پذیر است. اما راههای دیگر نه، بلکه احتمال سقوط و هلاکت و نابودی بشریت، قوی و بلکه حتمی است آن راهها نه مستقیم است و نه دارای مقصد و هدف مطمئن میباشد.

ظلم ستیزی امامان اهلبیت «ع»

در فرهنگ حضرت امام قدس سره، که متخذ از فرهنگ خالص و ناب

محمّدی است، امام و امامت دارای همان مفهوم است که در قرآن و روایات اهل بیت «ع» از آن تعبیر شده است، امام بعنوان عمود و استوانه دین تلقی گردیده و بدون تحقق مفهوم آن به تمام معنی الکلّمه. تعبیه مفاهیم دینی نیز ممکن نیست لباس تحقق بیابد و جایگاه آن بقدری بالا و بلند است که عقول بشری از درک آن عاجز و ناتوان اند و در پایان بخش پیشگفتار مقداری از باب «خاتمه مک» بطور اجمال، توضیحات لازم داده خواهد شد.

امام و امامت علاوه بر بعد عرفانی و واقعی که صنایع الله بلا واسطه بوده و موجودات دیگر عالم صنایع بهم میباشند هم بعد «پلی الزی» را دارند و هم بعد «پلی الخلقی» و با یکدیگر از عالم غیب دریافت کرده و میگیرند و با دست دیگر مجری فیض الهی گشته و آن را بدیگران میرسانند و واقعاً واسطه فیض ربوبی هستند و از عالم دیگرند و مع الله حالات و خصوصیات دارند که دیگران حتی ملانکه مقرب خداوندی دسترس یافتجا ندارند و از این حیث از اختراعات دین و مکتب اسلام میباشند، ابعاد و زوایای دیگری نیز دارند که مع الّصف از این زاویه نیز مورد شناخت و معرفت درست قرار نگرفته اند با اینکه از این زاویه در مقام مقایسه بزایه اول، آسانی میتوان بحث کرد و مورد بررسی قرار داد و آن بعد اجتماعی سیاسی امامت در جامعه اسلامی بلکه در جامعه بشری است.

امامان ما در این صدد بودند که موانع رشد و کمال بشری را که همانا تقاضای غلط و فاسد و حکومتهای طاغوتی و ظالم بودند، از میان برداشته و زمینه های تحقق عدالت اجتماعی را فراهم نمایند و در مسیر نبرد با ظالمان و اجرای عدالت اسلامی و تحقق بخشیدن باحکام الهی و حکومت عدالت و شرافت و کرامت، از هیچ کوششی فروگذاری نکردند و لحظه ای آرام ننشستند و سکوت اختیار نکردند و در هر موقعیت و فرصتی، مواضع صریح خودشان را اعلام و مخالفتشان را با حاکمان جور آشکار ساختند و در این راه مبارزه تا مرز شهادت رفتند و اساساً فرهنگ شهادت را آنان آوردند و ترویج نمودند و عاشقانی را برای این مقصد بالای انسانی، در راستای تاریخ تربیت کردند و برکات آن را همگان میدانند.

کدام امام است که در مقابل ظلم و نابرابری سکوت نماید؟
کدام امام است که در مقابل حکومتهای جبار دورانشان آرام نشسته و سازش نماید؟

کدام امام است که زندگی آرام و سالمی را برگزیده و به رفاه و آسایش بیاندیشد؟

کدام امام است که در این مسیر بهر نوع گرفتاری و ابتلا تن در نداده و از خود ضعف نشان بدهد؟

اگر امام و پیشوای معرفت بودند و در مسیر معرفت صاحب دلان را مرید خودشان قرار داده و با جذبیه های عرفانی بدنبالشان انسانهای متعدّد را مجنون وار و منصور وار کشانده و آماده آوارگی و سردار رفتن در راه دوست را نموده اند، امام قیام و مبارزه و جهاد در راه خدا و نبرد برای نابودی ظالمان و حاکمان ستم و برقراری حکومت عادلّه الهی نیز بوده اند و اگر اهل دعا و اتابه و تضرّع بودند، اهل جنگ و شمشیر و سلاح هم بوده اند. شیران روز و عابدان شب بوده اند. و از همین جهت دشمنان اسلام بیش از همه روی آنان حساسیت نشان داده و برای منزوی کردن آنان از هر وسیله ممکن استفاده کرده و در فکر از میان برداشتن و شهادت آنان افتادند و دست بهر جنایت و خیانتی زدند و با وضع فجیعی، این

انسانهای نمونه و الگو را بصورتهای مختلف و گوناگون کشتند. و لذا شما اگر بتاریخ مراجعه کنید، خواهید دید همه امامان ما جز امام دوازدهم (ع) - که از نعمت وجود و برکات آن موجود مبارک دنیای هستی بهره مند است اگر چه از ظهور و بروز آن برکات ما محرومیم و بی بهره ایم - یا با شمشیر کشته شده اند و یا با شیوه دیگری که حاکمان طاغوت انتخاب میکردند و برای از میان برداشتن انسانهای صالح و پیشوایان بشریت از آن ابناء نداشتند و آن را بکار میسپردند و این معنی و واقعیت امامت امت اسلامی و مکتب تشیع است که هم دارای منطق بلند و حکمت رفیع بودند و هم منطق و حکمت خودشان را با خون مقدسشان بکرسی نشاندند و آن را با ثبات رساندند و جاودانگی و ابدیت آن را تضمین نمودند و از همین جا میتوان استنتاج کرد که دنیای اسلام، در خیلی از مسایل باید بازنگری کرده و روی آنها که تاکنون بدستش رسیده است تجدیدنظر نماید و در فرهنگ اسلامی تجدیدنظر نماید و در نوع برخورد با اسلام و قرآن تجدیدنظر نماید و در برداشتن از قرآن و جهاد و امامت و رسالت و امثال ذلک تجدیدنظر نماید و زنگارها را که در اثر جهل و دوری از متن اسلام و افتاءات حاکمان ظلم و جور و علماء سوء و وعاظ السلاطین روی این حقایق ناب نشسته است پاک نموده و کنار بزنند تا بتوانند بآن اهداف و مقاصد عالیّه که خالق عالم خواسته است، نزدیک شوند.

و امروز که در مین اسلامی، امت ما در سایه تکیه بر ارزشهای الهی حرکتی را بوجود آوردند و دنیا را بوحشت انداختند برای این بود که امام «فلس سره» توانست مقداری این زنگارها را کنار بزند و اسلام را با آن نورانیت نشان بدهد و انسان ستمنیده و رنج دیده و سیلی خورده را بخویشتن برگردانده و سیل خروشان را برای ریشه کن ساختن ظلم و ستم بوجود آورد و دنیای جلیبد و زندگی نو و فرهنگ تازه ای عرضه نماید و رسالت عظیم بشریت و عالمان اسلامی همین است و در این مسیر همه و همه باید بسیج گردند و دست از پنا تشناستند و بدون کوچکترین وقفه به پیش بروند و بتوصیه های الهی سیاسی امام لباس عمل بیوشانند همانطور که حضرتشان می فرمایند:

«ما مفتخریم که انبه معصومین ما صلوات الله وسلامه علیهم در راه تعالی دین اسلام و در راه پیاده کردن قرآن کریم که تشکیل حکومت عدل یکی از ابعاد آن است، در حبس و تبعید بسر برده و عاقبت در راه براندازی حکومتهای جائرانه و طاغوتیان زمان خود شهید شدند و ما امروز مفتخریم که می خواهیم مقاصد قرآن و سنت را پیاده کنیم و افشار مختلفه ملت ما در این راه بزرگ سرنوشت ساز سرازیر با شناخته، جان و مال و عزیزان خود را نثار راه خدا می کنند.

ما مفتخریم که باتوان و زتان پسر و جوان و خرد و کلان در صحنه های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان با بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است شرکت و از محرومیت هائی که توطئه دشمنان و ناآشنائی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنها، بلکه بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند شجاعانه و متعهدانه خود را رها کرده و از فید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به دست نادانان و بعضی آخوند های بی اطلاع از مصالح مسلمین بوجود آورده بودند، خارج نموده اند و آنانکه توان جنگ ندارند در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شغف به لریزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان

بدر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه علیها سلام الله فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر و می دانند آنچه بدست آورده اند بالاتر از جنات نعم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا».

ادامه دارد

۱- شیخ کلیسی «ره» از احمد بن عمر حلبی از ابی بصیر نقل کرده است که وی به محضر مفسس امام ششم حضرت صادق «ع» رسید و از امام در باره حدیث معروف میان شیعه و سنی سؤال کرده است و آن حدیث این است که شیعه نقل کرده اند رسول اکرم «ص» بنای از علم بعلی «ع» یاد داده و از هر بابی هزار باب دیگر بر وی او گشوده شده است.
امام «ع» فرمودند: نه یک باب بعلی تعلیم کرده است بلکه هزار باب به او یاد داده و از هر بابی هزار باب گشوده شده است. سائل پرسیده است: آیا این هم مانند علوم دیگر بوده است؟ امام «ع» پس از مدتی فکر کردن فرمودند: اگر چه این هم علم و معرفت است ولیکن با علوم و دانشهای معمولی دیگر متفاوت است. سپس امام «ع» ادامه دادند و فرمودند: یا ابامحمد در نزد ما جامعه است و در آن علوم و دانشهای ازین و آنترین وجود دارد و همچنین با ما است مصحف فاطمه «ع» و در آن علم حوادث و وقایع از گذشته ها و آینده ها بطور تفصیل وجود دارد. و در روایات دیگر نیز این معنا تصریح شده است و لولایت که خصوصیات آن بتفصیل

برای ما روشن نبوده و کیفیت آن نیز شناخته شده نمیباشد ولی آنچه که متواتر است و از ضروریات مذهب شیعه میباشد، این است که علم امامان شیعه «ع» با علم دیگران متفاوت بوده و در اثر ارتباط حقیقی بین نفوس قدسیه آنان با مبادی عالمه وجود از ناحیه ذات قدسی حضرت حق به آنان اعطاء شده است آیا بصورت الهام بوده و یا از طریق تحدیث و اخبار و حدیث گفتن بواسطه شخصی و یا چیزی بوده است و یا اینکه ملکی از ناحیه حضرت باری تعالی همراه آنان بوده و روح القدس همیشه مؤیدشان بوده است و یا اینکه مجموعه این ها بیک حقیقت بر میگردد؟ در هر صورت حقیقت این امر برای ما منکشف نشده است و ما از درک حقیقت آن عاجز هستیم و چیزی که برای ما مسلم و روشن است این است که علم امامان دین «ع» منحصر بشنیدن و نقل از دیگران و تعلم و یادگیری از اساتید نمیباشد برای اینکه اگر علوم آنان منحصر بهمان هائی بود که رایج در میان جامعه بشری است، فرقی میان آنان و دیگران باقی نمیشد و معنی نداشت رسول اکرم «ص» تعلیم این نوع علوم و دانشها را که در میان همه متداول و رایج است و همگان از آن برخوردارند و بهره میبرند، ممتاز داشت و بصورت مشخص و خاص بیان نماید و جفر و جامعه و مصحف فاطمه «ع» نیز بنظر میرسد، چیزهائی بوده که اقرا معمولی، نمیتواند از آن ها استفاده نموده و مطالبی بدست آورند و بفهمند و از مشخصات اولیاء الهی بوده و برای دیگران در آن حظ و راهی وجود ندارد و این موضوع از مسلمات شیعه است و از روایات زیادی بدست می آید و لولایت که تفصیل آن را نتوانیم بفهمیم و درک کنیم. شرح اصول کافی ملا صالح مازندرانی جلد ۵. باب فیه ذکر الصحیفه و الجفر و الجامعه و مصحف فاطمه «ع» صفحات ۳۸۵، ۳۸۴ و پاوورقی صفحه ۳۸۱. ش.

بقیه از قیام قیامت

ستاره شماری پیردازند «در صورتی می توانند از عهدۀ شمردن همه ستارگان بر آیند که هر یک دارای ۳۰ هزار سال عمر باشند».

اینها که ذکر گردید نمونه ای از تعداد ستارگانی است که در مجموعه های کهکشانی وجود دارد ولی بطوری که دانشمندان این قرن می گویند: «دیوار حقایق مربوط به آسمانها بسیار بلند و طناب علم هنوز کوتاه است» اما پس بردن بهمین اندازه هم برای فهمیدن عظمت تعبیرات قرآنی در بیان قیام قیامت که: «واذا النجوم انکدرت»، «واذا الكواكب انشثرت»^۱ یعنی: «روزی که ستارگان تیره و خاموش و پراکنده شوند» کمک شایانی می کند.

ادامه دارد

- ۱- سوره تکویر-آیه ۱-۳.
- ۲- سوره انفطار-آیه ۱-۳.
- ۳- از جهانهای دور ص ۲۴۳ و کتاب یک و دو ص ۳۹۱ و پیدایش و مرگ خورشید ص ۱۶۸ و ۲۶۶ و مرزهای نجوم ص ۲۳۷.
- ۴- مع الله فی السماء ص ۱۸۶.
- ۵- مرزهای نجوم ص ۱۵۱.
- ۶- مرزهای نجوم ص ۱۴۴ و ۱۸۶ و دنیای ستارگان ص ۱۴۳.
- ۷- مرزهای نجوم ص ۱۴۴.
- ۹- سوره تکویر-آیه ۲.
- ۱۰- سوره انفطار-آیه ۲.

کمک دستگاههای مجهز و نیرومند صنعتی و پشتیبانی علوم فضائی با قدم راسخ تری به مطالعه و کشف رموز بیشتر آسمانها پرداختند و از رمز این کهکشان گذشته و کهکشانهای بسیار زیادی را در اعماق فضا کشف کردند که تعداد آنها طبق گفتار و نوشتار صاحب نظران این فن لاقبل به رقم بزرگی یعنی ۱۰۰ هزار میلیون بالغ می شود.^۷

این کهکشانهای نیز از ستارگان بسیار زیادی که تعداد آنها صد هزار میلیون یا بیشتر است تشکیل یافته است.^۸

بنابراین تعداد مجموع ستارگانی که در کلبه کهکشانهای موجود است به رقم بسیار بزرگی که حاصل ضرب صد هزار میلیون کهکشان در صد هزار میلیون ستاره است بالغ می شود و آن رقم این است

۱۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰
(ده هزار میلیارد میلیارد) برای مجسم کردن این رقم بزرگ کافی است که بگوئیم: اگر کلبه جمعیت روی زمین که تعداد آنها را اقلاً ۳ هزار میلیون فرض می کنیم برای سرشماری ستارگان بسنج شوند و خیلی با سرعت این عمل را انجام بدهند به طوری که در هر ثانیه هر یک ۱۰ تا ستاره بشمارند و تمام عمر خود را از آغاز تا انجام به

توجه متفکرین بشر بود ولی گالیله با دوربین اختراعی پرده از روی این راز بطور کامل برداشت و در سال ۱۶۰۹ میلادی کهکشان را با دوربین خود مورد مطالعه قرار داد و دوربین خود را در امتداد کهکشان بجهت مختلف متوجه کرد و بهر طرف که نگاه کرد دید انبوهی از ستارگان در این مجموعه گرد آمده و این پدیده زیبا و با عظمت آسمانی را بوجود آورده اند از آن پس «هرشل» فلک شناس معروف با تلسکوپهای نیرومندتری آنرا مورد دقت و مطالعه قرار داد و اکتشاف گالیله را با قاطعیت هر چه بیشتر تأیید کرد و بعد از آن بهر اندازه که قدرت علمی و صنعتی بشر افزایش یافت بهمان نسبت چهره واقعی «کهکشان» نمودار تر و مشخصات آن روشنتر گردید و بالاخره امروز مسلم شده است که این کهکشانی که منظومه شمسی ما نیز یکی از اعضای آن بشمار می رود لاقبل از ۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ (صد میلیارد) ستاره بوجود آمده است.^۹

دانشمندان پس از اینکه به ماهیت نزدیکترین کهکشانهای که گفتیم منظومه شمسی ما یکی از اعضای آن بشمار می رود- پی بردند به